

دوفصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه

سال هجدهم (۱۳۹۶)، شماره ۳۴

بازشناخت حماسه شاهرخ‌نامه (سروده قاسمی گنابادی)*

دکتر زهرا اختیاری^۱

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

حماسه شاهرخ‌نامه قاسمی گنابادی مثنوی‌ای چهار هزار و هفتصد بیتی است که در سال ۹۵۰ق آن را سرود. موضوع آن شرح کشورگشایی‌ها، شکارها، سفرها، عدالت‌ورزی‌ها و رشادت‌های شاهرخ تیموری (۸۵۰-۷۷۹) از بر تخت پادشاهی نشستن تا هنگام وفات است که به شاه‌طهماسب صفوی (ج. ۹۳۰- د. ۹۸۴) تقدیم شده است. شاهرخ جز همین مثنوی، زندگی‌نامه مستقلی ندارد. منظومه شاهرخ‌نامه در ایران نسخه ندارد و نگارنده آن را براساس نسخه پاریس تصحیح کرده است. پس از معرفی شاهرخ‌نامه، به بررسی برخی ویژگی‌های ادبی و زبانی منظومه و معرفی نسخه‌های آن پرداخته شده و ساقی‌نامه‌های این مثنوی برای اولین بار معرفی گردیده است. چند فراز از زندگی شاهرخ از نگاه قاسمی و مورخان عصر شاهرخ با هم مقایسه شدند. تحقیق نشان داد این حماسه تا حد زیادی مبتنی بر مستندات تاریخی است و به ترتیب وقوع عمل‌کردهای شاهرخ سروده شده است. توصیف صحنه‌های نبرد با بیانی فخیم و حماسی و به کاربردن تعبیرها و ترکیب‌های زیبا، تضاد، سجع و واج‌آرایی از دیگر ویژگی‌های این اثر است.

واژگان کلیدی: قاسمی گنابادی، شاهرخ‌نامه، حماسه تاریخی، ساقی‌نامه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۶/۲۹

۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: ekhtiari@Um.ac.ir

مقدمه

حماسه شاهرخ‌نامه را شاعر برجسته خراسانی، قاسمی گنابادی یا قاسمی حسینی جنابادی (د. ۹۸۲)، در سال ۹۵۰ ق. / ۴ - ۱۵۴۳ م. به نام و درخواست شاه طهماسب صفوی سرود. (Storey, 1972, 2: 840) این منظومه شرح پادشاهی، نبردها، رشادتها، پیروزی‌ها، بخشندگی و عدالت‌ورزی‌های شاهرخ تیموری (۷۷۹-۸۵۰ ق.) است. مثنوی شاهرخ‌نامه تنها زندگی‌نامه مستقل شاهرخ در موضوع ایام پادشاهی وی است که در چهار هزار و هفتصد بیت سروده شده است. (قاسمی، ۹۸۲ / ۹۹۲، [۵۱-ر]) در این جستار تعداد ابیات منظومه و سال درست کتابت نسخه فرانسه که به اشتباه در منابع و فهرست‌ها آمده، مدلل بیان شده است. منظومه حماسی شاهرخ‌نامه بر اساس نسخ شاهرخ‌نامه و با توجه به آنچه در دیگر آثار قاسمی گنابادی در مورد این منظومه آمده، معرفی گردیده و با مآخذ متقن تاریخی مقایسه شده است.

پیشینه پژوهش

درمورد شاهرخ‌نامه جز آنچه خیلی مختصر در برخی منابع، نوشته شده است - که البته آنها هم خالی از اشتباه نیست - مطلبی دیده نمی‌شود. اهم منابعی که در آن ذکری از شاهرخ‌نامه آمده عبارتند از: عمده‌الاشعار (قاسمی، ۹۸۲ / ۹۸۰، ص ۷۴)؛ زبدة‌الاشعار (قاسمی، ۹۸۲، ۹۸۱، ۵۶۰، ۵۳۵)؛ تاریخ ادبیات در ایران (صفا، ۱۳۶۴، ۵/۲، صص ۷۱۹-۲۰)؛ حماسه‌سرایی در ایران (صفا، ۱۳۶۹، ص ۳۶۴)؛ تاریخ ادبیات ایران (ریپکا، ۱۳۷۰، ص ۴۱۷)؛ در سه مقاله و یک تصحیح از نگارنده: «درست و نادرست در شرح حال قاسمی حسینی گنابادی (جنابادی)» (اختیاری، ۱۳۹۱)؛ «قاسمی گنابادی»، دانشنامه زبان و ادب فارسی (اختیاری، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۱۷۵)؛ «سایه روشن آثار و نوشته‌های قاسمی گنابادی» (اختیاری، ۱۳۹۰، صص ۴۸-۵۸)؛ لیلی و مجنون قاسمی گنابادی (قاسمی گنابادی، ۱۳۹۳، الف، ص ۱۸). برخی منابع و تذکره‌ها^۲ که در مورد قاسمی مطلبی نوشته‌اند که آن هم از حد بیان تعداد ابیات و سال سرایش و موضوع مثنوی فراتر نمی‌رود، از جمله: تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی (نفیسی، ۱۳۴۴، ص ۴۱۰)؛ تذکره پیمان (گلچین

معانی، ۱۳۵۹، ص ۴۲۱): الذریعة الى تصانیف الشيعة (الطهرانی، ۱۳۸۹ق/۱۹۶۹م، ص ۲۱۷): احسن التواریخ (روملو، ۱۳۵۷، ص ۵۹۷): تذکره صبح گلشن (بهادر، ۱۲۹۵ق، ص ۳۲۶): شاه اسماعیل‌نامه (قاسمی حسینی گنابادی، ۱۳۸۷، مقدمه، ص ۱۶): (گلچین معانی، ۱۳۴۶، ج ۲، ص ۷۱۲): فهرست‌واره کتاب‌های فارسی (منزوی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۸۹): نیز در فهرست نسخه‌های خطی فارسی ضمن معرفی شهنشاه‌نامه قاسمی از شاهرخ‌نامه هم نامی آمده است (منزوی، ۱۳۴۹، ص ۲۹۳۴). همچنین در فهرست‌های نسخه‌های خطی که غربی‌ها نوشته‌اند به شاهرخ‌نامه اشاره شده است: فهرست نسخه‌های خطی فارسی بنگال (Ivanow, 1926, p189): فهرست نسخه‌های خطی موزه بریتانیا (Rieu, 1966, Vol2, p261-660): ترجمه روسی برگل یا بریگل از فهرست کتاب‌شناسی استوری (Story, 1972, Vol2, p840): فهرست کتاب‌شناسی ادبیات فارسی استوری به انگلیسی (Story, 1970, Vol2, p292): فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس (Blochet, Vol3, p347). مطلبی در معرفی دقیق و درست منظومه شاهرخ‌نامه و براساس نسخ موجود این منظومه و با استناد به دیگر آثار قاسمی، جز همین مقاله وجود ندارد.

روش کار

شالوده مقاله بر اساس متن مصحح نگارنده از شاهرخ‌نامه قاسمی است. تصحیح شاهرخ‌نامه با استفاده از دو نسخه خطی موجود در کتابخانه ملی پاریس فرانسه به شماره SUPP 1985 تحریر ۹۹۲ هجری و نسخه موزه بریتانیا به شماره OR.339 انجام گرفت.

این جستار ضمن بیان مختصر زندگی شاهرخ تیموری، به معرفی مثنوی شاهرخ‌نامه و نسخه‌های آن، مقایسه چند مرحله از زندگی شاهرخ و چند کار بارز وی طبق آنچه قاسمی سروده و سنجش میزان صدق و کذب سخن شاعر در مقایسه با منابع متقن تاریخی قرن نهم پرداخته است تا میزان پای‌بندی شاعر به متون تاریخی و از طرفی ملزم بودن شاعر به رعایت اصول ژانر ادبی حماسه مشخص گردد.

خلاصه‌ای از زندگی شاه‌رخ و عهد تیموری

براساس نوشته خواندمیر و عبدالرزاق سمرقندی، شاه‌رخ «چهارمین و آخرین فرزند ذکور تیمور بود که در ۱۴ ربیع‌الثانی سال ۷۷۹ (خواندمیر، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۴۲۸؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۹۷) در سمرقند به دنیا آمد». (میرجعفری، ۱۳۸۴، ص ۸۶) او از آغاز جوانی از ارکان مهم دولت تیموری به حساب می‌آمد و در بیشتر جنگ‌ها از بزرگترین سرداران سپاه تیمور بود. تیمور در میان فرزندان و نوادگان خود به شاه‌رخ اعتماد کامل داشت. (همانجا، ص ۸۶) وی «کفایت و تدبیر را با عدالت و صلح‌جویی جمع داشت». (پارشاطر، ۱۳۳۴، ص ۸). تیمور در زمان حیات خود، هر کدام از فرزندان و نوادگان خود را بر سرزمینی از ممالک تحت حکومتش حاکم کرده بود. حکومت بر خراسان را از سال ۷۹۷ به شاه‌رخ واگذار کرد. آن‌گونه که در روضات‌الجَنّات فی اوصاف مدینه هرات آمده: «حضرت صاحبقرانی [تیمور]، نظر بر صلاح حال رعایا و تقویت دین مسلمانی و مصلحت امور شاهی و جهانبانی ممالک خراسان را به شاه‌رخ ارزانی فرمود». (اسفزاری، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۴۶)

بعد از مرگ تیمور «چون از اولاد و اسباط او اسن از شاهزاده خلیل سلطان، فرزند میرانشاه، کسی در آن نزدیکی نبود، از دهشت و حیرت او را به پادشاهی برداشتند (شرف‌الدین یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۵۱۲)، وی اما به جای کشورداری «متوجه غنچ و دلال شادملک شد» (همان، ص ۵۱۴) و «دست اسراف و تبذیر بر خزانه گشود و اجناس کنوز و خزاین را به اندک زمان صرف کرد». (همان، ص ۵۱۲) از کارهای ناشایست دیگر خلیل سلطان به گفته شرف‌الدین یزدی وهنی بود که نسبت به خواتین و سراری اعمال داشت. (شرف‌الدین یزدی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۵۱۶) این امر نیز موجب دشمنی و بدبینی نسبت به خلیل سلطان شد و «خاطرها به کلی از سمت اخلاص او بگردانید». (همانجا) خلیل سلطان به زودی مغلوب شاه‌رخ پسر چهارم تیمور گردید. (پارشاطر، ۱۳۳۴، ص ۳۰)

شاهرخ بعد از پدرش امیر تیمور، از سال ۸۰۷ تا وفات به مدت ۴۳ پادشاهی کرد. در دوران زمامداری وی «دانش رونقی یافت و بازار هنر گرم شد.» (پارشاطر، ۱۳۴۴، ص ۹) ایران در این مدت «دوره‌ای از رونق ادبی و هنری به خود دید.» (همانجا) شاهرخ و فرزندانش ادب دوست و دانشمندپرور بودند. (صفا، ص ۵۶۱) آن گونه که نوشته‌اند، شاهرخ ذوق شاعری داشته، اما بدان نپرداخته است. (نوایی، ۱۳۲۳، ص ۱۲۴) چنانکه رنه گروسه می‌گوید: وی «دارای صفات عالیّه انسانی بود و فطرتی معتدل داشت.» (گروسه، ۱۳۵۳، ص ۷۵۸)، نیز مردی متدین و هوادار اسلام بود. دوران حکومتش بر ایران از ادوار به یاد ماندنی حاکمیت در این سرزمین است. شاهرخ سعی داشت با عدالت حکومت کند و در دوران حکومت وی آرامش و امنیت نسبی بر ایران حاکم بود. در ترویج و گسترش هنر و دانش و آبادانی سعی وافری داشت. به همراه همسرش گوهرشاد خانم ابنیه فراوانی ساخت. شاهرخ کارهای عمرانی عظیمی انجام داد. از جمله آبادانی شهرهایی مثل هرات، ساختن کتابخانه‌ها و مانند آن. خلاصه وی تدبیر، عدالت و صلح‌جویی و کفایت در کشورداری را با هم داشت. به امور دینی و ساختن مساجد توجه خاصی داشت. حکایت‌هایی نیز از وی در مبارزه با شراب‌خوری نقل کرده‌اند. (میرجعفری، ۱۳۸۴، ص ۹۰؛ قاسمی، ۹۸۲/۹۹۲، [۳۴-پ]) «او یک حاکم مسلمان بود و وقتی به سنن مغولی نمی‌گذاشت.» (رویمر، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳) و خود را نه کوکان و نه خان نامید. (همانجا) از شاهرخ در خارج از مرزهای ایران به عنوان پادشاهی نیک با تعابیری چون «کان عابد، زاهد، عاقلاً» (البستانی، بی‌تا، ۱۰، ص ۳۹۸) نام برده شده است.

شاهرخ، همچون پدرش، فردی شجاع و جنگ‌دیده بود، اما بر خلاف تیمور که مردی خشن و خونریز بود، شاهرخ انسانی سلیم و صلح‌جو و عدالت‌خواه بود و «در مقایسه با سختگیری و خشونت پدرش با ملایمت رفتار می‌کرد.» (رویمر، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳) وی پس از مرگ تیمور به مرور توانست بر مشکلات فایق آید و مدعیان متعدّد جانشینی را به نرمی کنار بگذارد. نیز اختلافات بین خانواده بزرگ تیمور را به

مودت و دوستی بدل کرد. در اواخر عمر خود توانست بر قلمرو عظیمی از چین تا روم و از اقصای ترکستان تا هند فرمانروایی کند. شاه‌رخ در سال ۸۵۰ ق. در ۷۲ سالگی در ری از دنیا رفت. (میرجعفری، ۱۳۸۴، ص ۸۸)

معرفی مثنوی شاه‌رخ‌نامه

مضمون اصلی منظومه شاه‌رخ‌نامه شرح رشادت‌های شاه‌رخ تیموری در دوران ۴۳ ساله پادشاهی او را شامل می‌شود. قاسمی در این مثنوی، کودکی و نوجوانی وی را ذکر نکرده است. وی در این منظومه همچون دیگر مثنوی‌های خود به بیان نکات اخلاقی و پند و اندرز و توصیفات زیبا پرداخته است.

علاقه قاسمی به وطن و دین، او را بر آن می‌دارد که زندگی بزرگان این سرزمین را به شعر درآورد. وی نه فقط برای اولین شاهان صفوی بلکه از پادشاه خوش‌نام یک قرن قبل از خود، شاه‌رخ، هم با سرودن زندگی وی، به نیکی یاد کرده است. اصولاً هاتفی و قاسمی «به دنبال نظامی رفته و خواسته‌اند در برابر اسکندرنامه او اثری پدید آورند، منتهی نخواستند از اسکندر مرده نقل دروغ کنند و موضوع منظومه خود را از زندگی کسانی مانند تیمور و شاه‌رخ و شاه‌اسماعیل و شاه‌طهماسب گرفته‌اند.» (صفا، ۱۳۶۹، ص ۳۶۶)

وزن شاه‌رخ‌نامه: همان وزن شاهنامه فردوسی «فعولن فعولن فعولن فعل» است. منظومه در سال ۹۵۰ سروده شده:

ببین در سوادم ز نیک اختری طلب سال تاریخش از مشتری

(قاسمی، ۹۸۲/۹۹۲: [۵۱-])

تاریخ سرودن منظومه در ماده تاریخ متن شاه‌رخ‌نامه (همان) آمده است. نیز در زبده‌الاشعار (مقدمه زبده‌الاشعار، ص ۵۳۵) که منظومه‌های قاسمی به ترتیب زمان سرودن برشمرده شده، این منظومه بعد از خسرو و شیرین آمده است و تاریخ سرودن خسرو و شیرین سال ۹۵۰ است، بنابراین بدون هیچ تردیدی شاه‌رخ‌نامه در سال ۹۵۰ سروده شده است (نیز رک: Blochet, Vol3, p347; Rieu, 1966, Vol2, p261; Story, 1970, Vol2,

p292). تعداد ابیات شاهرخنامه را تذکره‌نویسان و دیگران هم به تبعیت از آنان ۵۰۰۰ بیت نوشته‌اند، در حالی که متن مصحح ما خیلی کمتر از این است و در متن مثنوی هم شاعر تعداد ابیات شاهرخنامه را ۴۷۰۰ بیت برمی‌شمارد:

گهرها که آورده‌ام در شمار بود هفصد و چار باره هزار

(قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲: [۵۱-ر])

تعداد ابیات ۵۰۰۰ در مآخذ گوناگونی آمده است، از جمله: تذکره هفت آسمان (احمدعلی احمد، ۱۹۶۵م، ص ۱۳۷)؛ فهرست‌واره کتاب‌های فارسی (منزوی، ج ۹، ص ۹۸۹)؛ منظومه‌های فارسی (خزانه‌دارلو، ۱۳۷۵، ص ۴۷۶)؛ تاریخ ادبیات در ایران (صفا، ۱۳۶۴، ۵/۲، ص ۷۲۱) و حماسه‌سرایی در ایران (صفا، ۱۳۶۹، ص ۳۶۴)؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی (منزوی، ۱۳۴۹، ص ۲۹۳۴)؛ فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی. (ابن یوسف، ۱۳۲۱-۱۳۱۸، ج ۳، ص ۴۸۱)

به نظر می‌رسد خود قاسمی بعدها در این مثنوی دستی برده و مانند مثنوی لیلی - و مجنون آن را پیراسته و اندکی کوتاه کرده است، یا اینکه در نامه‌ای که قاسمی برای صاحب نفایس‌المآثر نوشته و در هفت آسمان آمده، شاعر تعداد ابیات را به صورت عدد کامل ذکر کرده است.

از ویژگی‌های این مثنوی که البته تا حدّ زیادی در حماسه‌های ایرانی مشترک است، توصیف میدان‌های رزم و وصف شب و روز و فصول است، نیز چهره محبوبی که قاسمی از قهرمان اصلی، شاهرخ، و ایرانیان ارائه می‌دهد.

آغاز شاهرخ‌نامه:

الهی بحق پادشاهی تورا است همه بنده‌ایم و خدایی تورا است

آخر شاهرخ‌نامه:

ز صبح سعادت زیادت بود سرانجام کارش سعادت بود

(همان، ص ۲۶۱)

نام شاه‌رخ‌نامه در مثنوی‌ها و آثاری که قاسمی بعد از آن پدید آورده، یعنی در عمدة‌الاشعار (ص ۷۴)، زبدة‌الاشعار (ص ۵۶۰) و مقدمه زبدة‌الاشعار (ص ۵۳۵) آمده است.

شاه‌رخ‌نامه، حماسه یا تاریخ

شاه‌رخ‌نامه گرچه یک منظومه تاریخی و حماسی است، اما به نظر می‌رسد چون مدّت زیادی از وقوع حوادث نمی‌گذرد، بیشتر از آنکه حماسه باشد، تاریخ است. در حماسه می‌بایست قرن‌ها از وقوع حوادث بگذرد تا مردم با نقل داستان‌ها، آرمان‌ها و آرزوهای خود را در آن بگنجانند و این آرزوها در وجود قهرمان اصلی تبلور یابد. گرچه از زمان مرگ شاه‌رخ تا زمان سرودن منظومه، صد سال می‌گذرد، و نه چند قرن؛ به نظر می‌رسد وجود منابع تاریخی که به زندگی‌نامه شاه‌رخ پرداخته‌اند، باعث شده تا شاعر به کتب تاریخی پای‌بند بماند. پس تا حدّی آنکا به منابع تاریخی و ظاهراً مجبور بودن شاعر به رعایت آنچه در تواریخ آمده است، موجب شده، منظومه وی حماسه تاریخی باشد و نه حماسه صرف.

۱- بررسی ویژگی‌های ساختاری شاه‌رخ‌نامه

۱-۱- ساقی‌نامه‌ها

آنچه در شاه‌رخ‌نامه جلب توجه می‌کند، وجود چند ساقی‌نامه بلند است. اشعار مربوط به می، ساقی و مطرب در دیوان رودکی در قصیده «مادر می» (رودکی، ۱۳۷۸، ص ۳۳) و دیوان منوچهری بویژه در مسمّط‌ها (۱۳۷۷، صص ۲۲۵-۲۲۱) در اصل متأثر از خم‌ریه‌های عربی است. فخرالدین‌اسعد با دو بیت که از وی نقل شده (انجو شیرازی، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۱۸۳۲)، آغازگر ساقی‌نامه به حساب می‌آید. تا اینکه نظامی آن را در بعد عرشی سرود. (نک: نظامی، ۱۳۸۷، ص ۹۴۱) امیر خسرو (صص ۷۲۷-۶۵۱) به تأسی از نظامی و پس از او خواجوی کرمانی (صص ۷۵۳-۶۸۹) و حافظ (حافظ، ۱۳۶۸، صص ۳۸۱-۳۸۳)، هاتفی (صص ۹۲۷-۸۱۴)، عبدالرحمن جامی (جامی، ۱۳۸۵، ص ۹۷۵) قبل از قاسمی، ساقی‌نامه سروده‌اند. ساقی‌نامه‌ها در مسیر تکاملی خود تغییر محتوا و معنی

داده، «در اواخر دوره تیموری و تمام دوره صفوی رنگ تند عرفانی به خود گرفتند و شاعران غم و درد عرفانی را به صورت ابیات ساقی‌نامه درآوردند.» (خزانه‌دارلو، ۱۳۷۴، ص ۹۴) دوره صفوی از ممتازترین ادوار ساقی‌نامه‌سرایی است. متأسفانه نه تنها آثار قاسمی خوب معرفی نشده، بلکه ساقی‌نامه‌های وی نیز مغفول مانده‌اند. عبدالنّبی فخرالزّمانی بر آن است که قاسمی دو ساقی‌نامه دارد. (فخرالزّمانی، ۱۳۶۳، صص ۱۸۰-۱۷۳) و گلچین معانی هم دو ساقی‌نامه دیگر از قاسمی آورده است (گلچین معانی، ۱۳۶۸، صص ۴۳۳-۴۲۴) که چهار ساقی‌نامه مذکور از دو شاهنامه قاسمی (شهنشاه‌نامه) است. از ساقی‌نامه‌ها در دیگر آثار وی از جمله آنچه در شاهرخ‌نامه آمده، ذکری به میان نیاورده‌اند. (نک: اختیاری، ۱۳۹۰، صص ۶۹-۶۸) نیز در کتاب ساقی‌نامه‌ها (کازرونی، ۱۳۸۵) از ساقی‌نامه‌های قاسمی نامی برده نشده است. درحالی که قاسمی در دیگر آثار خود از جمله زبده‌الاشعار هم ساقی‌نامه دارد، ساقی‌نامه‌ای در ۱۹۰ بیت (قاسمی، ۱۹۸۲/۹۸۱، صص ۶۴۱-۶۳۴) و ساقی‌نامه دوم در ۱۳۴ بیت. (همان، صص ۶۵۰-۶۵۳) مضمون ساقی‌نامه‌های قاسمی به همان شیوه ساقی‌نامه‌سرایان قبلی است؛ یعنی در بی‌اعتباری و فانی بودن مقام و منصب دنیایی و دورویی ابنای زمانه و صفای اهل دل و مذمت زاهدان ریایی؛ در ضمن آن نیز عبارات و کلمات حکمت‌آمیز هم گنجانده است. قاسمی در منظومه شاهرخ‌نامه دو‌گونه، ساقی‌نامه بلند و کوتاه دارد:

۱-۱-۱ - **ساقی‌نامه‌های بلند:** در شاهرخ‌نامه چند ساقی‌نامه طولانی آمده است. اولین ساقی‌نامه قاسمی پس از حمد خدا و ستایش پیامبر و جانشین آن حضرت، متعاقب عنوان: «بزم سخن برآراستن به تعریف ... طهماسب شاه»، با توصیف خزان آغاز می‌شود:

دلا گر نسیم خزان شد وزان بهارست می‌خوارگان را خزان

(قاسمی، ۱۹۸۲/۹۹۲: [۵-ر])

بدین گونه بیست بیت در وصف خزان و مبارزه با ریا و شستن دلق خویش با آب می بیان می کند، آنگاه با لفظ «بیا ساقی» ساقی نامه ای در ۱۳۸ بیت می سراید: (همان، [۵-۵-۷] ر تا [۷-۷])

بیا ساقی ای نو خط گل عذار به سبزه برآراسته نوبهار ...

(همان، [۵-۷])

۱-۱-۲- ساقی نامه کوتاه: قاسمی در آخر هر فراز از داستان و قبل از شروع عنوان بعدی، چهار بیت که غالباً با «بیا ساقی» آغاز می شود، در مفهوم ساقی نامه می سراید. از این جهت منظومه شبیه شاه اسماعیل نامه است. البته قاسمی در سه منظومه حماسی خود، از اسکندرنامه نظامی تقلید کرده است. نظامی هم در شرف نامه دو بیت خطاب به ساقی و در نیمه دوم، اقبال نامه، دو بیت خطاب به مطرب می سراید. از جمله چندین مورد خطاب به ساقی را می توان برشمرد: (نظامی، ۱۳۸۷، صص ۹۴۱، ۸۶۵، ۸۱۵، ۸۱۱، ۸۰۲، ۷۹۷، ۷۸۹، ۷۸۱، ۷۷۶، ۷۶۴، ۷۶۱، ۷۵۵، ۷۵۰)، و در اقبال نامه دو بیت خطاب به مغنی آورده. (همان، ۱۰۹۵، ۱۰۹۴، ۱۰۹۳، ۱۰۹۲، ۱۰۹۱، ۱۰۹۰، ۹۹۵)

جامی و قاسمی هر بار در ساقی نامه چهار بیت متعاقب هم سروده اند که دو بیت آن خطاب به ساقی و دو بیت دیگر خطاب به مغنی است. از جمله نک: (جامی، ۱۳۸۵، صص ۹۷۵) یکی از ساقی نامه های کوتاه یا چهار بیتی قاسمی:

بیا ساقیا کز دلم رفت تاب ز لب گیر باز و به من ده شراب

که از آتشین لعلت افروختم بر آتش زن آبی که من سوختم

مغنی کجایی که افسرده ام برآور نوایی که دل مرده ام

چوداوود کن ظاهر اعجاز خویش مرا زنده گردان به آواز خویش

(قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۱۱-پ])

۲-۱- عنوان های بلند

از دیگر ویژگی های ساختاری این مثنوی عناوین طولانی و بلند است. با آنکه امروزه عنوانی که جامع و مانع و کوتاه باشد، ممدوح و پسندیده است، اما قاسمی به

تأسی از کتب تاریخی یا شیوه مرسوم روزگار خویش عنوان‌ها را بلند آورده و به نظر نویسندگان طبق روش ویژه خود که در دیگر مثنوی‌های وی نیز برخی عنوان‌ها را بلند آورده، مثل: «بزم آراستن در صفت حضرت صاحب‌قرانی، سلیمان‌مکانی، جمشید‌نشانی، خاقان کامرانی، ابدالله تعالی ظلال‌دولته‌علی مفارق‌العالمین» (قاسمی، ۱۳۹۳، الف، ص ۷۶)، به گونه‌ای که گاهی از آثاری که بر آن نظیره پرداخته نیز طولانی‌تر است.

این عناوین بیشتر صفات و القابی است که شاعر برای شاه‌رخ و گاهی ممدوح خویش برشمرده است. در مقایسه با متون منشور تاریخی نیز می‌توان گفت که در شاه‌رخ‌نامه القاب و عناوین را به تأسی از متون تاریخی قرن نهم آورده است. مؤلفان متون تاریخی قرن‌های هشتم و نهم از جمله خواندمیر، حافظ‌ابرو، عبدالرزاق سمرقندی در همان آغاز هر بحث، پس از عنوان، از القاب و صفات متوالی و بلندی استفاده کرده‌اند. قاسمی نظیر این القاب و صفات را در عنوان‌های شاه‌رخ‌نامه آورده است. در همه منظومه‌های قاسمی عنوان‌ها بلند هستند جز در گوی‌وچوگان که عنوان‌ها کوتاه و منظوم است، نظیر: «اظهار نیاز و عذرخواهی» (قاسمی، ۱۳۹۳، ب، ص ۳۲)؛ «در نعت رسول و مدح آتش». (همان، ص ۳۲)

۳-۱- ویژگی دیگر عنوان‌ها، نثر مسجع و ادبی آن است. در چند متن کوتاه باقی‌مانده از قاسمی، نثر وی پخته و آهنگین است. (اختیاری، ۱۳۹۰، ص ۶۸) این ویژگی در شعرش به صورت جناس و واج‌آرایی، نمود پیدا کرده است.

۴-۱- زبان و کلمات غنایی

با آن‌که شاه‌رخ‌نامه منظومه‌ای حماسی است، اما گاه شاعر از کلمات مخصوص به غزل و شعر غنایی هم بهره گرفته، و از نام گل‌ها و گیاهان، عناصر مرتبط با آسمان و زمین و تصاویر مربوط به آنها نیز به طور معتناهی استفاده کرده است.

۵-۱- پند و اندرز

شاعر هر جا مناسب می‌بیند به دادن پند و اندرز می‌پردازد؛ حتی گاه از زبان دشمنی که به عذرخواهی آمده است. (همان، [۳۵-۳۵] ر تا ۳۵-پ)

۲- مقایسه با منابع تاریخی

تفاوت عمده شاهرخ نامه با متون تاریخی در این است که در متون منثور مربوط به تاریخ زندگی شاهرخ، زمان‌ها به سال و ماه و روز ذکر شده، اما شاهرخ نامه به دلیل این که حماسه است، از داشتن چنین تاریخی‌هایی خالی است و این نشانگر آن است که قاسمی با ویژگی‌های حماسه آشنا بوده است.

اینک به مقایسه چند عنوان بسنده می‌شود:

۲-۱- برتخت پادشاهی نشستن شاهرخ

عنوان در شاهرخ نامه چنین است: «بر مسند سروری نشستن صاحبقران زمان و خاقان دوران کیخسرو جهان شاهرخ، بهادرخان به جای پدرش تیمور گورکان و عدالت ورزیدن» (قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۱۱-ر]) در متون تاریخی بر تخت نشستن شاهرخ، در رمضان ۸۰۷ در هرات مختصر آمده است، از جمله: (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۱۱-۹) اما قاسمی این موضوع را طولانی آورده است:

نشیننده تخت اسکندری زند این چنین نوبت سروری

که چون مهر اوج شرف شاهرخ که سایه به خاک درش ماه رخ ...

(قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۱۱-ر])

قاسمی به وجود رقیبی به نام خلیل سلطان، که قبل از شاهرخ برتخت نشست، نپرداخته است تا از عظمت قهرمانش کاسته نشود و بی‌ماند بماند، برخلاف متون تاریخی که به این موضوع مفصل پرداخته‌اند. (رک: سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۱۰۷۰-۱۰۴۷) قاسمی برخلاف مورخان از مرگ تیمور هم بی‌توجه می‌گذرد و فقط برتخت نشستن شاهرخ را مفصل می‌سراید. (قاسمی، [۱۲-پ تا ۱-ر])

۲-۲- توجه نمودن صاحبقران سکندر پناه به جانب ماوراءالنهر با خیل سپاه

رفتن شاهرخ به ماوراءالنهر به قصد نبرد (قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۱۱-پ تا ۱۲-ر])، که حافظ ابرو، جزو حوادث سال ۸۱۴ در زبدة التواریخ آورده (حافظ ابرو، ۱۳۷۲، صص ۴۱۶-۴۱۴) و در مطلع السعدین (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۳۸۷-۳۸۵) نیز علت جنگ و

سرانجام آن هر دو ذکر شده، زیرا دشمنان مغولی با شاه‌ملک، حاکم خوارزم صلح و دوستی پیش گرفتند و قبل از رسیدن شاه‌رخ صلح واقع شد. با این همه شاه‌رخ به بلخ و آن نواحی رفت، برای سرکشی و رسیدگی به امور رعایا و نیز رفتن سرِ خاک تیمور. (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲، صص ۴۲۱-۴۲۰) در شاه‌رخ‌نامه وصف نبردی از نبردهای شاه‌رخ و آمادگی سپاهش توضیح داده شده است، با این عنوان: «توجه نمودن صاحبقران سکندر پناه به جانب ماوراءالنهر با خیل سپاه (قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۱۲-پ]) اما از شرح جزئیات آن صرف‌نظر شده است. آنگونه که مورخان دو اثر مذکور نوشته‌اند، بین شاه‌رخ و مخالفان بر سر خوارزم جنگی درنگرفت. در شاه‌رخ‌نامه نیز بیشتر شعر قاسمی در آمادگی برای نبرد ماوراءالنهر، مربوط به توصیف شاه‌رخ و آرایش نظامیان وی است و از جنگ خبری نیست:

| | |
|----------------------------|-------------------------------|
| به آهنگ جولان ز جا شد روان | به اندیشه پیر و به دولت جوان |
| سمندش به شکل پری جلوه‌ساز | پر از کاکل و یال خود کرده باز |
| دوان در رکابش هزار آفتاب | همه دیده بر پای او چون رکاب |
| جمالش به فرخندگی شمع جمع | چو پروانه جمعی بر آن گرد شمع |

(قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۱۳-پ])

قاسمی ۶۸ بیت در توصیف شاه‌رخ و لشکریان و ادوات جنگی وی آورده است. (همانجا)

۲-۳- عزیمت به قبچاق: در آغاز ابیات آمدن شاه‌رخ به خراسان، قاسمی از فتحی که در خوارزم و دشت قبچاق در سال ۸۱۵ به وسیله سرداران شاه‌رخ انجام گرفته، (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲، صص ۴۸۱-۴۷۳؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، صص ۱۷۰-۱۶۶) سخن می‌گوید:

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| چو از فتح قفچاق شد کامیاب | به سوی بخارا عنان داد تاب |
| و ز آنجا فتادش ز بهر فراغ | خیال خراسان زمین در دماغ |

(قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۳۱-ر])

فتح قبیچاق در تاریخ حافظابرو حدود نه صفحه است. (حافظابرو، ۱۳۷۲، صص ۴۸۱-۴۷۳)، قاسمی نیز در چندجا از جنگ و فتح قبیچاق سخن می‌گوید. (قاسمی، ۹۸۲/۹۹۲، [۲۹-پ تا ۳۱-ر]) در زبدةالتواریخ خلاصه‌ای از اوضاع گذشته خوارزم و نبرد خوارزمیان با همسایگان نقل شده است. (حافظابرو، ۱۳۷۲، صص ۴۷۹-۴۳) پس از شکست لشکری که به فرماندهی سرداران شاهرخ به جنگ خوارزمیان رفته بودند و شکست آنان به سبب حيلة خوارزمیان، شاهرخ خود به این جنگ رفت که به نام فتح قبیچاق در شاهرخ‌نامه آمده است.

۲-۴- زیارت مرقد و بارگاه علی‌بن موسی‌الرضا(ع)

عنوان در شاهرخ‌نامه چنین است: «توجه فرمودن افراسیاب زمان به جانب خراسان و صفت روضه امام عالمیان و قبله‌گاه انس و جان و قبله حاجات جهانیان امام رضا، علیه‌التحیة، که خلاصه بلاد جهان و مسلم بلاد مسلمان ست.» (قاسمی، ۹۸۲/۹۹۲، [۳۱-ر]) قبل از آمدن شاهرخ و خواتین به خراسان و زیارت مرقد علی‌بن موسی‌الرضا، در زبدةالتواریخ که متقن‌ترین کتاب تاریخی مربوط به تیموریان است - و دیگر مورخان تاریخ خود را تا سال وفات (حافظابرو، ۱۳۷۲، صص ۸۳۳) بر اساس آن نوشته‌اند - چندین صفحه به موضوعات دیگری اختصاص یافته است، از جمله: نامه‌ای که شاهرخ در استمالت از احمدبن عمرشیخ فرستاد (همان، صص ۵۸۳)، رسیدن ایلچی امیر قرايوسف (همان: ۵۸۲)، تعمیر قلعه شهر هرات (همان: ۵۷۸)، یاغی شدن امیرزاده بهادر (همان، صص ۵۹۱) و مطالبی دیگر در صفحات متعدّد و سال‌های متوالی که قاسمی به آنها نپرداخته است و از آن میان حوادث مهمّ زندگی شاهرخ و قهرمانی‌های او را سروده است.

قاسمی در آغاز به چگونگی آمدن وی به خراسان می‌پردازد که در ساعتی نیکو و خوش یمن حرکت کرد:

به خود نوجوان و به طالع جوان

به فرخ‌ترین ساعتی شد روان

(قاسمی، ۹۸۲/۹۹۲، [۳۱-ر])

چگونه آمدن وی در حالی که بر مرکب سوار بود:

گران شد ز پایش رکاب ستور به پایش فتاد از شرف طوق نور

(همان)

در زبدة‌التواریخ نظیر همین مضمون، در مورد آمدن شاهرخ به طوس آمده است: «عزیمت زیارت علی بن موسی الرضا ... فرموده در دوازدهم شعبان هوا و زمین آن دیار به گرد مواکب و نعل مراکب مکمل و مهلل گشت.» (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲، ص ۶۹۲). در شاهرخ‌نامه تاریخ زیارت ذکر نشده است.

قاسمی در این فراز به منقبت‌گویی ثامن‌الائمه پرداخته و آمدن شاهرخ و بانوان و بزرگان همراه او را به شعر سروده است.

چو آمد شهنشاه آیین ظفر به ملک خراسان به صد کرّ و فر
تن مُلک از او جان دیگر گرفت خراسان زمین زیب و زیور گرفت
به جستن درآمد به سر حد طوس شهنشاه عالم به آواز کوس
روان شد به طوف علی رضا سپرده عنان را به دست قضا
شهید و غریب خراسان زمین... امام به حق کعبه اهل دین

(قاسمی، ۹۸۲/۹۹۲، [۳۱-ر])

۲-۳-۴- اختلاف متون تاریخی و شاهرخ‌نامه

از آنچه در زبدة‌التواریخ و مطلع‌السعدین در مورد نذورات شاهرخ از جمله از قنبدلی طلا به وزن سه هزار مثقال که در گنبد مرقد حضرت آویختند (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲، ص ۶۹۲، سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۲۶۱)، قاسمی سخنی به میان نیاورده است. در این منظومه چیزی جز همان‌چه در کتب تاریخ قبل از قرن ده آمده وجود ندارد و همان مطالب تاریخی هم به اختصار ذکر شده، بلکه به برخی از وقایع پرداخته و بیشتر به بیان حماسی نبردهای شاهرخ اختصاص دارد تا به یک کتاب صرفاً تاریخی. ضمن آنکه آنگونه که شیوه قاسمی در مثنوی‌هاست به عبارت‌پردازی و آراستن کلام به انواع تشبیه‌ها پرداخته است. آنچه نمود خوبی دارد در این کتاب توصیف صحنه‌های نبرد به

شیوه‌ای حماسی است. قاسمی آبادانی و معماری طوس را ستوده، به ذکر سرسبزی و خرمی آن پرداخته، از خراسان و عظمت آن سخن گفته است:

| | |
|-----------------------------|----------------------------|
| خراسان زمین پیش ارباب دل | بهشت است در عالم آب و گل |
| خراسانیان را همین بس شرف | که در وی بود نقد شاه نجف |
| ز فیروزه کوه خراسان کبود | مگر چرخ فیروزه آمد فرود |
| بدخشان ز شوقش دگرگون شده | ز لعلش دل اندر بدن خون شده |
| ز حق اهل آن مُلک در منت‌اند | که بی نیت حشر در جنت‌اند |
| الهی که این عرصه جان‌سرشت | که آمد نشانی ز باغ بهشت |
| خماری ز معموری‌اش دور باد | ز معموری‌اش بیت‌معمور باد |

(قاسمی، ۹۸۲/۹۹۲، [۳۲-ر])

تاریخ زندگی شاه‌رخ در متون تاریخی بر اساس سیر تاریخی دقیقی پشت سر هم آمده، این سیر تاریخی در شاه‌رخ‌نامه هم وجود دارد اما آنچه که هست، به دلیل غلبه ویژگی حماسه بر این منظومه، صراحت کتب تاریخی را ندارد و بیشتر از پهلوانی‌ها و شجاعت‌های او سخن گفته تا از وقایع خرد زندگی‌اش.

۳- مرگ شاه‌رخ

قاسمی مرگ شاه‌رخ را با غمناکی طبیعت آغاز می‌کند:

| | |
|--------------------------------|-------------------------------|
| ز باد ارغوان گشت ریزان ز بار | چه بادی که می‌ریخت از وی شرار |
| گل زرد شد سرنگون از نهال | رسید آفتاب رخسار را زوال |
| ز شبنم به جان نافه‌سان مشک‌بید | که در طفلی‌اش موی سر شد سفید |
| چنار از غبار هوا گردناک | به پنجه همی‌ریخت بر فرق خاک |
| گل آتشین گشته ریزان ز باد | زده باغ را آتش اندر نهاد |
| گل نار در شبنم تر نهان | چو در زیر خاکستر اخگر نهان |
| ز باد خزان سرخ‌بید چمن | چو مرجانش افسرده خون در بدن |

سر زلف سنبل پریشان ز باد پی ماتم بوستان مو گشاد
ز تن مرغ روحش نوا ساز کرد ز بند قفس عزم پرواز کرد
(قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۴۸-پ])

در مرگ شاهرخ جهان را غمگین و طبیعت را سوگوار وصف می‌کند و ۶۴ بیت در اندوه مظاهر طبیعی و آن‌گاه در ناپایداری و بی‌وفایی دنیا و گریزناپذیری از مرگ سروده است. بعد از بیان اندوه طبیعت جزئیات مرگ وی را این‌گونه آورده:

در این فصل خاقان دارا صفات ز ری کرد آهنگ مُلک هرات
که از تاب تب شد تنش ناتوان شدش زعفران چهره ارغوان ...
ز تن مرغ روحش نوا ساز کرد ز بند قفس عزم پرواز کرد
(همان، [۴۸-پ])

سرانجام مرگ را امری طبیعی می‌داند و اشاره می‌کند که جهان بر انبیا و اولیا و قدرتمندان نیز ناپایدار بود و همه به جهانی برتر کوچیدند. از جمله به این نام‌ها توجه داده است: حضرت محمد(ص)، نوح(ع)، سلیمان(ع)، مسیح(ع)، خضر(ع)، اسکندر، فریدون، افراسیاب، کاووس، بهرام، فلاطون و جمشید. (قاسمی، ۹۸۲، ۹۹۲، [۴۹-ر تا ۴۸-پ]) بیان بی‌اعتباری دنیا در معتبرترین کتابها مربوط به مرگ وی، حبيب السیر و مطلع السعدین، با منظومه قاسمی قابل مقایسه نیست. به آن شدتی که قاسمی از بی‌اعتباری دنیا می‌گوید، در این دو منبع تاریخی اشاره نشده است. (خواندمیر، ۱۳۵۳، صص ۶۳۹-۶۳۶؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۵۵۹-۵۹۳)، که البته بیان بی‌اعتباری جهان تا این حد ابتکار قاسمی است.

ز بس خال خوبان نهان در مغاک پر از نافه شد ناف آهوی خاک
(قاسمی، ۹۹۲/۹۸۲، [۴۹-ر])

غمناکی طبیعت را در مرگ همه قهرمانان مثنوی‌های قاسمی می‌توان دید. در منظومه شاه‌اسماعیل‌نامه نیز قاسمی طبیعت را در مرگ شاه‌اسماعیل غمگین می‌بیند. مرگ پادشاهی که پس از ۲۳ سال اقتدار بر حکومتی که خود پایه‌گذارش بود، سرانجام

در پایتختش تبریز در سال ۹۳۰ (رویمر، ۱۳۸۴، ص ۴۳) بر اثر بیماری تب درگذشت. (جهانگشای خاقان، ۱۹۸۶م، ص ۶۰۸) قاسمی با وصف پاییز به بیان اندوه خود در مرگ او می‌پردازد:

| | |
|-----------------------------|-----------------------------|
| ز باد خزان مُرد گل را چراغ | خزان چون درآمد به تاراج باغ |
| ز سرما رخ نیل ماتم کشید | بنفشه قد خویش درهم کشید |
| چمن سربه‌سر گشته گرداب خون | ز گل‌های ناری که شد سرنگون |
| شدش خرمن زندگانی به باد ... | شکوفه فتاد از نهال مراد |
| ز تب یاسمین شد گل آتشین ... | برافروختش چهره نازنین |

(قاسمی، ۱۳۸۷، صص ۳۴۲-۳۴۱)

وی در مرگ لیلی (قاسمی، ۱۳۹۳، الف، صص ۱۸۱-۱۸۰) نیز به وصف خزان و اندوه طبیعت می‌پردازد:

| | |
|------------------------------|--------------------------|
| از برگِ رزان نهاد صد داغ | چون باد خزان به سینه باغ |
| رخسارِ بنفشه ساخت نیلی | اوراقِ چمن به زخمِ سیلی |
| گریان شده غنچه‌های خندان ... | از ابر چمن چو دردمندان |

(همان، ص ۱۸۰)

۲-۵- تفاوت

قاسمی از علّت مرگ شاه‌رخ که معده‌درد به دنبال نوش کردن شراب و سرکشی و بدلگامی پیش گرفتن استر وی است (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۹۵) سخن نمی‌گوید و همچون مطلع السّعدین وقوع مرگ را آورده، بدون ذکر علّت اصلی؛ چنانکه در که حبیب‌السّیر علّت آمده است: (خواندمیر، ۱۳۶۲، ۳، ص ۶۳۶)

«گاهی از درد معده و ضعف بنیه شکایت می‌فرمود در صباح یکشنبه بیست و پنجم ذیحجه سنه خمسین و سمان مئه موافق اوّل نوروز شراب ملخصه آشامیده، پای مبارک در رکاب سعادت انتساب آورده، عزیمت زیارت مراقد مشایخ قلعه طبرک نموده، عنان

یکران بدان طرف انعطاف داد ... مرکوب ... آغاز سرکشی کرده. قوت ماسکه به امساک عنان وفا ننمود، بنابراین از استر فرود آمده، در محفه نشست.» (خواندمیر، ۱۳۶۲، ص ۳۶) این نکته از دلایلی است که می‌توان گفت مأخذ اصلی قاسمی مطلع السعدین بوده است. قاسمی همچنین به مقصد شاهرخ که زیارت مقابر بزرگان دین بود (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۵۹۵) اشاره نکرده است.

زمان مرگ به روز و ماه و سال که در متون تاریخی آمده (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۹۷)، هم در این حماسه نیامده است، مثل زمان قتل رستم (فردوسی، ۱۳۸۸، ج ۵، صص ۳۶۱-۲۵۱) و دیگر پهلوانان حماسه ملی. اما محل مرگ را شاعر هم مثل مورخان ری نوشته است.

۳- معرفی نسخه‌ها

از شاهرخ‌نامه قاسمی چنان که مؤلف منظومه‌های فارسی هم قید کرده نسخه‌ای «در کتابخانه‌های ایران دیده نشد.» (خزانه‌دارلو، ۱۳۷۵، ص ۴۷۶) در این تصحیح از دو نسخه موجود در فرانسه و بریتانیا استفاده شده که معرفی می‌گردد:

۳-۱- نسخه خطی شماره SUPP persan 1985، موجود در کتابخانه ملی پاریس. تاریخ کتابتی که در پایان شاهرخ‌نامه، آمده است، چنین است. «تمت‌الکتاب شاهرخ‌نامه فی غرة محرّم الحرام سنة ۹۹۲» [قاسمی، ۹۹۲، ۵۱-ر] درحالی‌که تاریخی که به خطی جدیدتر از خط نسخه و متفاوت با آن در پایان این مجموعه نوشته شده است، سال ۱۰۰۲ را نشان می‌دهد: «تمام شد این کتابت روز یکشنبه بیستم ربیع‌الاول سال یکهزار [و] دو ۱۰۰۲ ...» [قاسمی، ۹۸۲/۹۹۲، ۱۸۸-ر] که قطعاً نادرست است. در ترقیمه مثنوی‌های این مجموعه سال تحریر پاک شده یا ناخوانا است، اما در مثنوی شاهرخ‌نامه چنان‌که در تصویر آن نیز آمده^۳ سال تحریر قابل تشخیص است. به هنگام تصحیح و چاپ لیلی و مجنون قاسمی (قاسمی، ۱۳۹۳، الف، ص ۴۶) به سبب نبود تاریخ در پایان مثنوی و پاک شدن قسمتی از ترقیمه، نیز به دلیل اعتماد به اطلاعاتی که در

پایان نسخه کتابخانه ملی فرانسه افزوده شده بود، به ترقیمه شاه‌رخ‌نامه دقت نکرد بودم. تاریخ ترقیمه‌های دیگر مثنوی‌های این مجموعه هم پاک شده یا مخدوش است. نسخه شماره SUPP 1985 کتابخانه ملی فرانسه شامل پنج مثنوی قاسمی است که به ترتیب عبارتند از: ۱- شاه‌رخ‌نامه از صفحه ۳ تا ۵۱، ۲- شاه اسماعیل از صفحه ۵۴ تا ۱۰۷، ۳- خسرو و شیرین از صفحه ۱۰۹ تا ۱۴۳، ۴- لیلی و مجنون از صفحه ۱۴۴ تا ۱۷۱، ۵- گوی و چوگان از صفحه ۱۷۲ تا ۱۸۷. شاه‌رخ‌نامه اولین منظومه این مجموعه است و روی هم‌رفته در بین نسخه‌های موجود شاه‌رخ‌نامه قدیم‌ترین و کاملترین نسخه به حساب می‌آید. هر صفحه در این نسخه ۲۳ سطر در چهار ستون دارد و هر ستون شامل دو بیت است. یعنی در هر صفحه حدود ۴۶ بیت جا گرفته است. جز شاه-اسماعیل‌نامه که ۱۹ سطر است. این نسخه به دو زبان فارسی و انگلیسی شماره‌گذاری شده است. شماره انگلیسی به صورت مسلسل از آغاز تا پایان نسخه است، یعنی از شماره ۱ تا ۱۸۹ و شماره فارسی در هر منظومه جداگانه است. گاه ابیاتی از این نسخه تکراری است و روی آن خط کشیده شده (قاسمی، ۱۳۸۲/۹۹۲، ۳۲-پ) و به ندرت جای بیتی خالی مانده است. (همان، [۳۳-ر])

۲-۳- نسخه خطی شماره OR.339 موزه بریتانیا. هیچ کدام از سه مثنوی قاسمی در این نسخه سال تحریر ندارد. فقط در فهرست نسخه‌های فارسی موزه بریتانیا، سال تحریر شاه‌رخ‌نامه سال ۱۱۸۰ق. / ۱۷۶۷م. نوشته شده است. (ریو، ۱۹۶۶، ۲، ص ۶۶۱) این نسخه شامل سه منظومه حماسی قاسمی است: شاه اسماعیل‌نامه، از ورق ۲ تا ۱۳۲-پ؛ شاه‌رخ‌نامه، از ورق ۱۳۳-ر تا ۲۶۰-پ و شاه طهماسب‌نامه از ورق ۲۶۱-ر تا ۳۸۶-پ. آخرین منظومه ناقص است. صفحات ۱۷ سطری‌ست و در هر سطر یک بیت آمده. نسخه افتادگی دارد. در ورق [۱۷۷-پ] چهار بیت ندارد که در فرانسه هست و چون ساقی‌نامه است، مسلم است که از قلم کاتب انگلیس افتاده است.

۴- نتیجه‌گیری

شاهرخ‌نامه قاسمی گنابادی تنها زندگی‌نامه موجودی است که در مورد سلطنت شاهرخ نگاشته شده است. این کتاب حماسه‌ای تاریخی در شرح جهاننداری، رعیت-پروری، رشادت، بخشندگی و عظمت شاهرخ است که بیشتر مبتنی بر آثار تاریخی یک قرن قبل از قاسمی مانند آثار حافظ‌ابرو و عبدالرزاق سمرقندی، خواندمیر و میرخواند است. قاسمی به مسائل خرد در زندگی و نبردهای شاهرخ کمتر توجه کرده، گرچه در جنگ‌ها نیز غالب سخن قاسمی بر سر شهامت و همراه‌بودن لطف ازلی با وی و کشور-داری و مشورت او در امور با بزرگان است. به نظر می‌رسد در بیان جنگ‌ها، قاسمی تمایلی به شرح جزئیات نبردها و خونریزی‌ها ندارد و پس از وصف صحنه نبرد به همین‌که شاهرخ و ایرانی‌ها پیروز شدند، بسنده می‌کند.

در متون تاریخی عمل‌کرد امرا و دیگر شاهزادگان تیموری مشروح و مفصل بیان شده است، از جمله نک: (حافظ‌ابرو، ۱۳۷۲، ج ۱، صص ۱۱۱-۵۵)، اما اهتمام قاسمی بر آن بوده که فقط عمل‌کرد پیروزمندان شاهرخ را بنمایاند. نیز از وقایعی در زندگی شاهرخ که بیان آنها در نظر شاعر، ضعف برای قهرمان حماسه محسوب می‌شود، خودداری نموده و او را قهرمانی بی‌مانند و شکست‌ناپذیر معرفی کرده است. در متون تاریخی بسیاری از جنگ‌ها به وسیله فرماندهان او برگزار می‌شود، اما در این حماسه قاسمی غالباً از نبردهایی سخن گفته که شاهرخ در رأس قرار دارد.

سوی زیبایی‌های ادبی، از نظر تاریخی، در این منظومه جز همان‌چه در کتب تاریخی قرن نهم آمده، نکته‌ای در خور توجه وجود ندارد و مطالب تاریخی هم به دلیل وسعت و حجم زیاد و از طرفی بیان حماسی و سراسر توصیفات و تشبیهات شاعرانه، به اختصار ذکر شده است. برخلاف متون تاریخی که زمان وقوع نبردها کاملاً مشخص است، قاسمی برای اینکه تمایزی بین حماسه و تاریخ قائل شده باشد، زمان وقوع نبردها را، همچون حماسه‌ها، نامعین گذاشته است. وی اصلی‌ترین وقایع دوران پادشاهی شاهرخ را با توجه به منابع تاریخی به شعر درآورده، با این تفاوت که شاعر

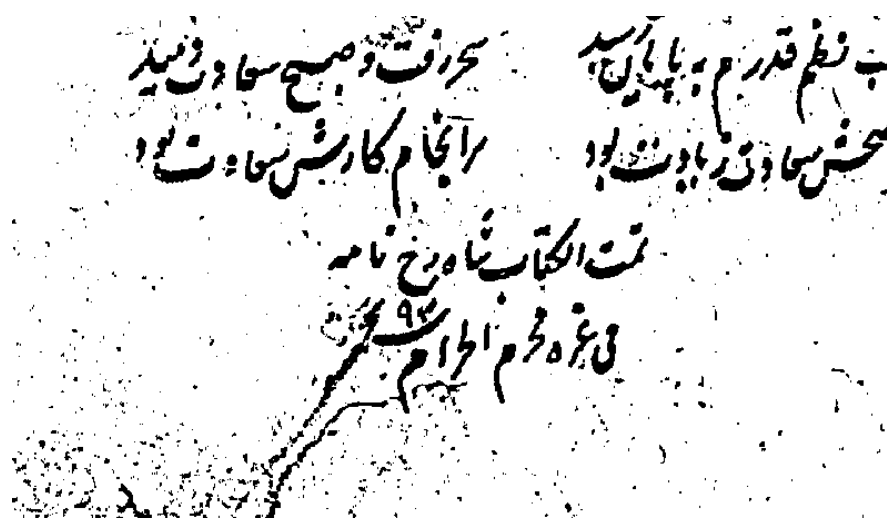
درصد بوده تا در ژانر حماسی آن را بسراید و بدین دلیل تغییراتی در آن داده است، از جمله عدم ذکر تاریخ وقایع.

آنچه در این مثنوی نمود خوبی دارد، توصیف صحنه‌های نبرد با بیانی فخیم و حماسی و ادبی است و نیز چهره محبوبی که قاسمی از شاه‌رخ و ایرانیان ارائه می‌دهد. از دیگر ویژگی‌های ادبی شاه‌رخ‌نامه کاربرد تعبیرها و ترکیب‌های زیبا، تضادها، سجع‌ها و واج‌آرایی در ابیات آن است. از دیگر مختصات شاه‌رخ‌نامه وجود ساقی‌نامه‌هایی چند در آن است.

همه پژوهندگان از جمله بلوشه، تاریخ تحریر نسخه موجود در کتابخانه ملی پاریس را به اشتباه نوشته‌اند و تعداد ابیات منظومه را نیز هم، که با بررسی در پنج ترقیمه نوشته شده بر این مجموعه (ترقیمه شاه‌رخ‌نامه ضمیمه است) و تصحیح منظومه، سال درست تحریر نسخه و تعداد دقیق ابیات شاه‌رخ‌نامه در مقاله نوشته شده است.

یادداشت‌ها

- ۱- در ارجاع به نسخ خطی، شماره اول سال وفات سراینده و شماره دوم سال تحریر نسخه است و بعد از آن صفحه نسخه خطی..
- ۲- تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی (نفیسی، ۱۳۴۴، ص ۴۱۰)؛ تذکره پیمانان (گلچین معانی، ۱۳۵۹، ص ۴۲۱)؛ الذریعة الی تصانیف الشیعة (الطهرانی، ۱۳۸۹ق/ ۱۹۶۹م، ص ۲۱۷)؛ احسن التواریخ (روملو، ۱۳۵۷، ص ۵۹۷)؛ تذکره صبح گلشن (بهادر، ۱۲۹۵ق، ص ۳۲۶)؛ شاه اسماعیل‌نامه (قاسمی حسینی گنابادی، ۱۳۸۷، مقدمه، ص ۱۶)؛ (گلچین معانی، ۲/۱۳۴۶، ص ۷۱۲)؛ فهرست‌واره کتاب‌های فارسی (منزوی، ۱۳۷۵، ۲، ۹۸۹ص)؛ در فهرست نسخه‌های خطی فارسی ضمن معرفی شهنشاه‌نامه قاسمی از شاه‌رخ‌نامه هم نامی آمده است (منزوی، ۱۳۴۹، ص ۲۹۳۴)؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی بنگال (Ivanow, 1926:189)؛ فهرست نسخه‌های خطی موزة بریتانیا (rieu, 1966, 2: 660-261)؛ ترجمه روسی برگل یا بریگل از فهرست کتاب‌شناسی استوری (Storey, 1972, 2: 840)؛ فهرست کتاب‌شناسی ادبیات فارسی استوری به انگلیسی (۲۹۱، ج. ۲، Story)؛ فهرست نسخه‌های فارسی کتابخانه ملی پاریس (Blochet, 3:347)
- ۳- نوع خط و ترقیمه نسخه شاه‌رخ‌نامه در مجموعه مثنوی‌های قاسمی موجود در کتابخانه ملی فرانسه سال ۹۹۲ق. را نشان می‌دهد و نه سال ۱۰۰۲ را:



منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها:

- ۱- ابن یوسف شیرازی (۱۳۲۱-۱۳۱۸)، فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۳، تهران، کتابخانه مجلس.
- ۲- احمد علی احمد (۱۹۶۵ م.)، هفت آسمان، تهران، انتشارات کتابفروشی اسدی.
- ۳- اسفزاری، معین‌الدین محمد زمچی (۱۳۳۹)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه الہرات، بخش دوم، تصحیح و حواشی سید محمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- البستانی، بطرس (بی‌تا)، دایرةالمعارف، بیروت، لبنان، دارالمعرفة.
- ۵- انجو شیرازی، میرجمال‌الدین حسین بن فخرالدین (۱۳۵۹)، فرهنگ جهانگیری، ویراسته رحیم عقیقی، مشهد، انتشارات دانشگاه مشهد.
- ۶- جامی، عبدالرحمن (۱۳۸۵)، هفت اورنگ، تصحیح مدرس گیلانی، تهران، انتشارات اهورا.
- ۷- جهانگشای خاقان (۱۹۸۶ م.)، تاریخ شاه اسماعیل، به کوشش الله‌دتا مضطر، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

- ۸- حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۸)، دیوان، تصحیح قزوینی-غنی، تعلیقات و حواشی محمد قزوینی، تهران، نشر اساطیر.
- ۹- حافظ‌ابرو (۱۳۷۲)، زبده‌التواریخ، مقدمه و تصحیح سیدکمال حاج سیدجوادی، دو جلد، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۰- خزانه‌دارلو، محمدعلی (۱۳۷۵)، منظومه‌های فارسی، تهران، نشر روزنه.
- ۱۱- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی (زمستان ۱۳۶۲)، حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام.
- ۱۲- ----- (۱۳۵۳)، حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، جلد سوم، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام.
- ۱۳- ----- (۱۳۷۲)، مآثرالملوک، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، نشر رسا.
- ۱۴- رودکی، جعفر بن محمد (۱۳۷۸)، دیوان شعر رودکی، پژوهش و تصحیح و شرح از جعفر شعار، تهران، مهد مینا - نشر قطره.
- ۱۵- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، احسن‌التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک.
- ۱۶- سمرقندی، عبدالرزاق بن اسحاق (۱۳۸۳)، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۷- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۹)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۱۸- ----- (۱۳۶۳)، تاریخ ادبیات در ایران، بخش دوم، جلد ۵، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۹- الطهرانی، آقابزرگ (۱۳۸۹ق / ۱۹۶۹م)، الذریعه الی تصانیف‌الشیعه، الجزء التاسع عشر، المجاهدات نقحه و زاد فيه ابن‌المؤلف احمد المنزوی، الطهران، انتشارات کتابخانه اسلامیّه.

- ۲۰- فخرالزمانی، عبدالنّبی (۱۳۶۳)، تذکره میخانه، مصحح احمد گلچین معانی، چاپ چهارم، بی‌جا، نشر اقبال.
- ۲۱- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۲- قاسمی حسینی گنابادی، محمدقاسم (د. ۹۸۲)، عمده‌الاشعار، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۸۳۸۳، [نسخه خطی]، تألیف ۹۶۵ق. تاریخ کتابت صفر ۹۸۰ق.
- ۲۳- ----- (د. ۹۸۲)، زبده‌الاشعار، کتابخانه آستان قدس رضوی، شماره ۸۳۸۳، [نسخه خطی]، تألیف ۹۷۶ق. تاریخ کتابت ۹۸۲-۹۸۰ق.
- ۲۴- ----- (۱۳۹۳، الف)، لیلی و مجنون، مقدمه، تصحیح و تعلیقات زهرا اختیاری، مشهد، نشر آهنگ قلم.
- ۲۵- ----- (۱۳۸۷)، شاه اسماعیل نامه، مقدمه، تصحیح و تحشیه جعفر شجاع کیهانی، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۲۶- ----- (د. ۹۸۲)، شاهرخ نامه، کتابخانه پادشاهی انگلیس، شماره 339. OR، [نسخه خطی]، تألیف ۹۵۰ق. تاریخ کتابت ندارد.
- ۲۷- ----- (د. ۹۸۲)، شاهرخ نامه، کتابخانه ملی فرانسه، شماره SUPP 1985، [نسخه خطی]، تألیف ۹۵۰ق. تاریخ کتابت ۹۹۲ق.
- ۲۸- ----- (۱۳۹۳، ب)، گوی و چوگان، مقدمه، تصحیحات و تعلیقات: بهرام گرامی و زهرا مجیدی، تهران، انتشارات میراث مکتوب.
- ۲۹- گروسه، رنه (۱۳۵۳)، امپراطوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳۰- گلچین معانی، احمد (۱۳۴۶)، فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، جلد هفتم (۲)، مشهد، اداره کتابخانه آستان قدس.
- ۳۱- ----- (۱۳۵۹)، تذکره پیمانہ (ذیل تذکره میخانه)، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- ۳۲- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۸)، تذکره پیمان، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی.
- ۳۳- منزوی، احمد (۱۳۴۹)، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران، انتشارات مؤسسه منطقه‌ای.
- ۳۴- ----- (۱۳۷۵)، فهرست‌واره کتاب‌های فارسی، ج. ۲، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۵- منوچهری دامغانی، احمد (۱۳۷۷)، برگزیده اشعار منوچهری دامغانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران، نشر سخن.
- ۳۶- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۷)، کلیات نظامی گنجوی (مطابق با نسخه تصحیح شده وحید دستگردی)، ویرایش ا. بهنام، تهران، نشر پیمان.
- ۳۷- میرجعفری، حسین (۱۳۸۴)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، ویرایش ۲، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، چاپ چهارم، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- ۳۸- نفیسی، سعید (۱۳۴۴)، تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی، دو جلد، بی‌جا، انتشارات فروغی.
- ۳۹- نوایی، میرنظام‌الدین‌علیشیر (۱۳۲۳)، مجالس‌النفائس، به کوشش علی‌اصغر حکمت، تهران، [بی‌نا].
- ۴۰- یزدی، شرف‌الدین‌علی (۱۳۳۶)، ظفرنامه، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی، ج ۲، تهران، انتشارات امیرکبیر.

ب) مقالات:

- ۱- اختیاری، زهرا (۱۳۹۱)، «درست و نادرست در شرح حال قاسمی حسینی گنابادی (جنابدی)»، نشریه ادب و زبان (علمی- پژوهشی)، دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، دوره جدید، شماره ۳۱، (پیاپی ۲۸)، بهار.
- ۲- ----- (۱۳۹۳)، «قاسمی گنابادی» دانشنامه زبان و ادب فارسی، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، صص ۱۷۶-۱۷۴.

- ۳- اختیاری، زهرا (۱۳۹۰)، «سایه روشن آثار و نوشته‌های قاسمی گنابادی»، نشریه ادب و زبان، دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۳۰، صص ۷۷-۴۷.
- ۴- رویمر، ه.ر. (۱۳۹۰)، «جانشینان تیمور»، تاریخ ایران (دوره تیموریان، پژوهش از دانشگاه کمبریج)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر جامی، صص ۱۵۳-۱۰۷.
- ۵- ----- (۱۳۸۴)، «دوره صفویان»، تاریخ ایران (دوره صفویه، از مجموعه تاریخ کمبریج)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر جامی، صص ۱۶۰-۷.
- ۶- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۴)، «ادبیات ایران در دوره صفویان»، تاریخ ایران (دوره صفویان)، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر جامی، صص ۵۴۹-۵۳۴.

(ج) منابع لاتین:

- 1- Blochet ,E. Catalogue des manuscrits Persans,tome troisieme No 1161- 2017, volume III, published by Paris Reunion des bibliotheques nationales.
- 2- Ivanow Wladimir concise Descriptive catalogue of the perian manuscripts in the curzon collection Asiatic society of Bengal. published by the Asiatic society of Bengal Calcutta 1926.
- 3- Rieu Charles, Catalogue the Persian manuscripts the British museum, volume II, published by the trustees of the British museum, 1966.
- 4- Storey, C. A. (1972) Literaturre a bibliographical survet in three parts. By Yu. E. Bregel, part II, (specil histories of persia, kurdistan, turkey, central Asia, Afghanistan, tukey, Arab states. Europe and America, China and Japan), edited by Yu. E. Borshchwvsky, central departement of oriental literature Moscow.
- 5-A. Story, A: Persian Literature to Bibliographical, volume1, part1, published by: The Royal society of Great Britain and Ireland and sold its Agents, London 1970.